



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

بررسی هویت ملی در قصه‌های عامیانه‌ی ایران

۱. اسداله بابایی فرد، ۲. مرتضی احمدی نجات

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

babaiefardm@gmail.com
M.ahmadinejat@gmail.com

چکیده

قصه‌های عامیانه جلوه‌گاه فرهنگ هر ملت است و از آرزوها و تخیلات توده‌ی مردم شکل می‌گیرد. در واقع سرچشمه‌ی این قصه‌ها، باورها و آیین‌های نخستین انسان‌ها است. حلقه‌ی قصه‌های عامیانه بیشتر بر آن دسته از ماجراها و حوادث قضا و قدری متمرکز است که بر سر افراد می‌آیند و بیشتر جنبه‌ی زمینی دارند تا بر موضوعاتی که هویت ملی دارند. قصه‌های عامیانه، کلید دستیابی به باورها و فرهنگ قومی‌اند و در واقع این قصه‌ها شناسنامه و هویت فرهنگی هر ملت شمرده می‌شوند. پیکره‌ی وسیع نوشته‌ها و آرایه‌ی که دانش‌هایی همچون فرهنگ‌شناسی و مطالعات فرهنگی را در محدوده‌ی خود دارد حاکی از نقش بارز و اهمیت جایگاه چنین دانش‌هایی در بررسی این باورها است. قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی گونه‌ای از ادبیات است که هویت ایرانی و ملی در آن مشهود و ملموس است. بنابراین، این پژوهش به بررسی هویت ملی و جایگاه آن در قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، قصه‌های عامیانه و نیز ادبیات عامه‌پسند، برخلاف وجه منفی‌ایی که در بین خواص پیدا کرده و رتبه‌ی آن را در میان شیوه‌های ادبی تنزل پیدا کرده است، به هر ترتیب نمایان‌گر بخشی از هویت ملی و ایرانی است.

کلمات کلیدی: فرهنگ قومی، هویت ایرانی، هویت ملی، ادبیات، قصه‌های عامیانه.



همین کنفرانس‌ها می‌تواند توجیه‌پایدار

در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی

۱. بیان موضوع

هویت هر ملتی ریشه در تاریخ، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم آن ملت دارد و همین امر نوع رفتار جمعی و شخصی افراد آن جامعه را با جهان اطراف و نیز با شهروندان درون یک اجتماع مشخص می‌کند. هویت ایرانی تا قبل از پیدایش و رخنه‌ی مدرنیته میان اقوام و آداب و رسوم و حتی معماری ایرانی تعریف و ویژگی‌های مشخصی داشت که بر ساخته از سنت‌ها و آداب و رسوم ایران باستان بود. پس از پیدایش رنسانس در غرب و با گسترش عقیده‌ی انسان‌محوری^۱ در اروپا، مدرنیته و مظاهر آن به مثابه‌ی بستر هویت جدید در غرب، با ایجاد نگرش جدیدی نسبت به انسان و جهان در پی رابطه‌ای تازه بین این دو، سودای ترسیم هویت مدرنی را به جای هویت قدیم در سر داشت. به همین منظور در قدم اول نقش عناصر قدیم هویت‌بخش، از جمله سنت‌ها و آداب اجتماعی مخصوص هر قوم و ملت، در تعریف هویت‌یابی انسان مدرن نفی گردید و مفاهیم تازه‌ای از قبیل ملیت، مرز جغرافیایی، زبان و غیره از عوامل هویت‌بخش به شمار رفت. مفاهیم به وجود آمده از مدرنیته صرفاً محدود به غرب و اروپا نشد و به سایر کشورها، از جمله ایران، سرایت کرد. قبل از مدرنیته مفاهیم هویت‌بخش در ایران به دو گفتمان حاصل از اندیشه‌ی ایران‌شهر (ایران باستان) و سنت و فرهنگ اسلامی محدود بود، به گونه‌ای که پس از ظهور اسلام و نفوذ آن در ایران دو هویت ایرانی - اسلامی به نحو غیرمتناقضی با هم ترکیب شده بودند. در بستر این هویت اگر بخواهیم تاریخچه‌ی پیدایش قصه را مشخص کنیم می‌توان گفت در ایران پیش از اسلام قصه‌های منثور و منظومی وجود داشته است. این قصه‌ها بیشتر جنبه‌ی اساطیری ملی و دینی دارند. مثلاً بخشی از شاهنامه‌ی فردوسی به اساطیری اختصاص یافته است که ظاهراً یکی از منابع «شاهنامه‌ی ابومنصوری» بوده است.

در تعریف قصه آمده است: «به آثاری که در آنها تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیشتر از تحول و پرورش آدمها و شخصیت‌هاست، قصه می‌گویند». در واقع قصه‌ها مملو از حوادث و ماجراهای گوناگونند. قصه‌ها اغلب پایان خوش دارند و حوادث واقعی و غیرواقعی آن تصادفی به وجود آمده است. قصه‌های عامیانه حجم و اندازه‌ی معینی ندارند. ممکن است قصه‌ای از چند سطر یا چند صفحه تجاوز نکند. قصه‌های عامیانه متنوع هستند. بعضی از آنها جنبه پهلوانی، سلحشوری و حماسی دارند و هویت ایرانی را به خوبی نشان می‌دهند؛ مانند سمک عیار و اسکندرنامه، و برخی از آنها مانند داراب‌نامه‌ی طرسوسی اشاره‌ای به سایر رخدادهای تاریخی دارند. مثلاً در داراب‌نامه، داراب پسر پادشاه ایران را برای کشتن به جایی می‌برند که گیاهی در آن نروید، چون اگر خون شاهان در زمینی بریزد، آن زمین دیگر حاصل نمی‌دهد. دسته‌ای دیگر از قصه‌های عامیانه بیشتر جنبه سرگرمی دارند تا عبرت‌آموزی، مثل «هزار و یک شب»، «طوطی‌نامه»، «امیر ارسلان» و «سلیم جواهری». اساساً ویژگی‌هایی که منجر به ساخت هویت یک جامعه می‌شوند در سطح جهانی مشترک هستند، مانند نحوه‌ی پوشش، ادبیات و قصه‌های عامیه، افسانه‌ها و اسطوره‌ها که تاریخ و هویت یک ملت را رقم می‌زنند. با این حال، در ایران از زمان ایران باستان تا به امروز این عناصر همواره هویت‌بخش بوده‌اند. یکی از آنها قصه‌های عامیانه است که بخشی از هویت ایرانیان است. قصه‌هایی که از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها سینه به سینه نقل می‌شد به فردوسی و شاهنامه، و از آن‌ها به ما رسید، تا برای همیشه این قصه‌ها ماندگار شوند.

اولین قصه‌ای که برایمان نقل کردند با «یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود» آغاز شد. قصه‌ها از همان دوران کودکی، کشش و جذابیتش را بر ما اعمال کردند و خیال ما را برانگیختند. قصه‌ها تأثیر عجیبی در ساخت و روند زندگی ما داشته‌اند. آن‌ها بال‌های خیال‌مان را بر همه‌ی شهرها و کشورهای دنیا گسترده‌اند؛ شهرها را به ما شناساندند و با مردمان‌اش آشنا کردند و از خوبی‌ها و بدی‌های‌شان گفتند (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۳۱). بنابراین، با توجه به هویت ملی - ایرانی متأثر از اقوام مختلف و خرده‌فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای می‌توان در جهت ارتقا و گسترش کیفی قصه‌های عامیانه تلاش نمود. قصه‌های عامیانه همچون

^۱ Humanism



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

محصولات فرهنگی جزو سازندهی فرهنگ و جامعه‌اند و در عین حال رابطه‌ی انعکاسی آشکاری با جوامعی که از آن نشأت می‌گیرند دارند (برکت، ۱۳۸۶: ۷۶).

عبدالحسین زرین‌کوب در یکی از آثارش می‌گوید: یکی از منابع خوب و مورد استفاده‌ی نویسندگان جوان، استفاده از عناصر داستانی قصه‌های کهن و عامیانه است. برخی از داستان‌های تخیلی بکر که شهرت زیادی در غرب دارند و بسیار هم درباره‌ی آنها تبلیغ می‌شود، تحت تأثیر داستان‌های عامیانه‌ی ایرانی نوشته شده‌اند. از جمله داستان «سفرهای گالیور». واقعیت این است که ظرفیت مجموعه‌ی ادبیات کهن و همچنین ادبیات عامیانه‌ی ما، که البته بخش کمتری از آن را در برمی‌گیرد، به دقت مورد توجه قرار نگرفته است. یکی از دلایل این امر آن است که برخی از مدرسان ادبیات کهن در دانشکده‌ها، یا آشنایی چندانی با ادبیات معاصر ندارند یا حتی برخی از آنها ادبیات معاصر را ناچیز می‌شمارند و حاضر نیستند پیوندی بین ادبیات کهن و معاصر بزنند (زرین‌کوب، ۱۳۷۵). بنابراین، حائز اهمیت است که قصه‌های عامیانه به عنوان یک قابلیت و عنصری از عناصر هویت ملی^۲ و ایرانی ما مورد بررسی قرار گیرد، زیرا قصه‌های عامیانه ویژگی‌های زیادی از آداب و رسوم، تاریخ و اسطوره‌ی یک ملت را در دل خود نهفته دارند و بررسی آنها یعنی بررسی یک هویت و فرهنگ. تحلیل و بررسی قصه‌های عامیانه به طور مفصل اتفاق نمی‌افتد مگر در بستر پژوهش‌های فرهنگی، از جمله حوزه‌ی پژوهشی *مطالعات فرهنگی*^۳ که به تازگی جای خود را در جامعه‌ی علمی و مطالعات میان‌رشته‌ای باز کرده است؛ حوزه‌ی مطالعاتی که بین علوم انسانی و اجتماعی گوناگون ارتباط برقرار کرده است.

وظیفه‌ی تصدیق تفاوت‌های فرهنگی و بشری و نیز کشف ابزار و شیوه‌های آفرینش فرهنگ و جامعه به گونه‌ای که مشترکات مردم در قبول تفاوت‌ها از میان نرود مسأله‌ی مطالعات فرهنگی است. در خصوص نقد ادبیات و مسأله‌ی مطالعات فرهنگی آن گونه که ادوارد سعید می‌گوید، پیوند آثار ادبی و فرهنگی به گونه‌ای است که هر اثر ویژه‌ای باید به دور از غفلت و ثانویتی باشد که به دلایل متعدد سیاسی و ایدئولوژیک، بیشتر دچار آن بود. پیکره‌ی وسیع نوشته‌ها و آرایه‌ی که مطالعات فرهنگی را در محدوده بررسی‌های ادبی در برمی‌گیرد حاکی از نقش بارز و اهمیت جایگاه مطالعات فرهنگی در بررسی قصه‌های عامیانه به انواع گونه‌ی از ادبیات است که هویت ایرانی و ملی در آن مشهود و ملموس است، زیرا قصه‌های عامیانه و نیز ادبیات عامه‌پسند برخلاف وجه منفی‌ایی که در بین خواص پیدا کرده و رتبه‌ی آن در میان شیوه‌های ادبی تنزل پیدا کرده است، اما به هر ترتیب نمایان‌گر بخشی از هویت ملی و ایرانی است و می‌توان گفت ترکیبی است که بی شک آبخور آن هویت ملی متشکل از سنت‌ها و آداب و رسوم و تجربه‌ی زیسته‌ی ایرانیان است (پاینده، ۱۳۸۶: ۸).

در زمینه‌ی مطالعات فرهنگی بحث مهمی که در رابطه با قصه‌های عامیانه وجود دارد این است که علاوه بر مسیری که نقد ادبی رفته، بازخوانی این نوع قصه‌ها در مطالعات فرهنگی و تأثیر این قصه‌های عامیانه بر هویت ملی دارای اهمیت است. بنابراین، از آنجایی که یکی از حوزه‌های اصلی مطالعات فرهنگی حوزه‌ی فرهنگ عامه‌ی معاصر است (که البته مطالعات فرهنگی در مطالعه‌ی فرهنگ عامه خلاصه نمی‌شود بلکه حوزه‌ی فراگیرتری دارد) این پژوهش قصد دارد از این منظر به بررسی هویت ملی در قصه‌های عامیانه‌ی ایران بپردازد و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در قصه‌های عامیانه را با توجه به رویکرد مطالعات به طور مختصر بررسی کند.

۲. پیشینه‌ی پژوهشی

میرصادقی (۱۳۸۷) در یک فصل از کتاب *ادبیات داستانی* خود، به بررسی قصه‌های عامیانه و انواع آن پرداخته و معتقد است قصه‌های عامیانه را نباید جزو دسته‌ی *داستان*^۴ قرار داد بلکه قصه‌های عامیانه نثر خاص و ویژگی‌های خود را دارد. پاینده (۱۳۸۶)، در

^۲ National Identity

^۳ Cultural Studies

^۴ Story



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

مقاله‌ای به نقد و بررسی کتاب **مطالعات فرهنگی درباره‌ی فرهنگ عامه** پرداخته و می‌گوید وقتی صحبت از «اثر» می‌کنیم، تولید فرهنگی - ادبی را در حاله‌ای از تقدس قرار می‌دهیم و آن را با برتر یا مایه‌ی تأملات ژرف‌اندیشی بی‌عجیب و غریبی می‌دانیم. پاینده به این نتیجه رسیده است که ماهیت میان‌رشته‌ای این رویکرد نو (مطالعات فرهنگی) تبلور تمام‌عیاری است از همان اصل دموکراتیک که همه‌ی ما را به درهم آمیختن صداها و نه حذف آنها فرا می‌خواند و توجه جدی به مقوله‌ی مطالعات فرهنگی در بحث نقد ادبی را لازم و ضروری می‌داند. لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) در بررسی هویت ملی، دریافتند که هویت ملی ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، دفاع از سرزمین، سنت‌های فرهنگی و ادب و زبان مشترک را شامل می‌شود.

۳. تعریف مفاهیم پژوهش

۳-۱. **هویت:** در تعریف هویت^۵ گفته شده است: «هویت عبارت است از تشخیص، و همین معنا میان حکیمان و متکلمان مشهور است... هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد. هویت گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌گردد که عبارت است از حقیقت جزئی» (دهخدا، ۱۳۴۱: ۳۴۹). در فرهنگ معین این هویت به معنای «هستی، وجود، آن چه سبب شناسایی باشد» (معین، ۱۳۹۱) تعریف شده است. معانی دیگری که برای هویت مطرح شده‌اند عبارت‌اند از: «اویی، نام و نشان، کنه ذات کسی، آن چه موجب شناسایی شخص باشد، شخصیت باطنی، حقیقت کسی یا چیزی» (انصاف‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۹۶-۱۲۹۵؛ بیابانگرد، ۱۳۷۹: ۱۲۴-۱۲۳؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۹). تاجفل و همکارانش در تعریف هویت/اجتماعی گفته‌اند: هویت اجتماعی «آن بخش از مفهوم خود یک فرد است که از دانش وی از عضویتش در یک گروه (یا گروه‌های اجتماعی) و اهمیت ارزشی و احساسی منضم شده به آن عضویت گروهی مشتق می‌شود» (جکسون و اسمیت، ۱۹۸۸: ۱۲۰). برخی از صاحب‌نظران در تعریف هویت بر سیال بودن آن تأکید دارند. مثلاً بابا^۶ نیز در تعریف هویت می‌گوید: «هویت نه یک محصول پیشینی است و نه محصولی کامل شده، این مفهوم در بیش‌تر موارد صرفاً عبارت است از فرایند پرابلماتیک دسترسی به تصویری از کلیت» (هاوارد^۷، ۲۰۰۰: ۳۶۷). اساساً امروزه صاحب‌نظران در تعریف هویت بر اکتسابی بودن آن تأکید دارند. آن‌ها نگرش *ذات‌گرایانه* به هویت و تلقی آن به عنوان مقوله‌ای انتزاعی، نامتغیر، ایستا و ابدی را کنار گذاشته‌اند و غالباً بر عینی بودن، سیالیت و پویایی آن تأکید دارند (ادگار و سجویک^۸، ۱۹۹۹: ۳۸۵-۳۸۴؛ الیوت و ری^۹، ۲۰۰۲؛ رجایی، ۱۳۸۲).

مفهوم هویت برای اولین بار توسط تاجفل و همکارانش مطرح شد. بررسی‌های آن‌ها نشان داد که افراد غالباً هویت خود را بر اساس تعلق به گروه یا گروه‌های اجتماعی خاص تعریف می‌کنند. چنین تعریفی سبب دسته‌بندی خود در گروه یا گروه‌های اجتماعی خاص شده و در شناخت فرد از خود، تصورات قالبی افراد و کنش‌های فردی و اجتماعی‌شان نقش اساسی ایفا می‌کند (المرز^{۱۰} و دیگران، ۱۹۹۹: ۶؛ کومار داس^{۱۱}، ۲۰۰۶). برخی از صاحب‌نظران بر اکتسابی بودن هویت، به ویژه در عصر جدید، تأکید دارند (هال^{۱۲}، ۱۹۹۶؛ گیدنز^{۱۳}، ۱۹۹۵). برخی از آن‌ها نیز معتقدند هویت تحت تأثیر جبرهای اجتماعی، به ویژه **تکنولوژی‌های قدرت**، شکل

^۵ Identity

^۶ Jackson & Smith

^۷ Bhabha

^۸ Howard

^۹ Andrew Edgar & Peter Sedgwick

^{۱۰} Anthony Elliott & Larry Ray

^{۱۱} Elmers

^{۱۲} Samrendra Kumar Das

^{۱۳} Stuart Hall

^{۱۴} Anthony Giddens



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

می‌گیرد (پاتل^{۱۵}، ۲۰۰۰: ۳-۲). به طور کلی، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی معاصر، به ویژه دیدگاه‌های متأخرتر، هویت را عنصری سیال و تحول پذیر می‌دانند؛ با وجود این، جوامع انسانی دارای هویت‌های فرهنگی یا اجتماعی خاصی نیز هستند که آن‌ها را از همدیگر متمایز می‌کنند. بنابراین، در تعریف هویت باید به طور هم‌زمان، هم ویژگی سیال و متحول بودن هویت و هم خصلت ثبات و انسجام آن مد نظر باشد. بنابر چنین تعریفی می‌توان گفت: «هویت عبارت است از مجموعه‌ی ویژگی‌ها یا قابلیت‌هایی که متمایز کننده‌ی یک شیء، شخص، گروه، جامعه یا هر پدیده‌ی دیگر از شیء، شخص، گروه، جامعه یا هر پدیده‌ی دیگر است» (بابایی فرد، ۱۳۹۲: ۴۳).

۲-۳. هویت ایرانی: منظور از هویت ایرانی تمامی عناصر و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است که به عنوان میراثی اجتماعی در گذر تاریخ از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. این هویت ضمن آن که دارای عناصر ثابت و پایدار است، در گذر تاریخ در معرض تحول و تغییر نیز بوده، برخی از عناصر خود را از دست داده یا عناصری بدان افزوده شده است. بنابراین می‌توان هویت ایرانی را متشکل از عناصر هویتی گوناگونی دانست، به ویژه آن که پس از گسترش اسلام در ایران، ارزش‌های دینی اسلامی نقش مهمی در تکوین هویت ایرانیان ایفا کرده‌اند. در عصر جدید نیز ارزش‌ها و عناصر هویتی برآمده از دنیای غرب به بخشی انفکاک ناپذیر از هویت ایرانیان تبدیل شده‌اند. بنابراین، هویت اجتماعی ایرانیان معاصر متشکل از سه عنصر هویتی مهم است: الف. **هویت ایرانی** یا **هویت ملی**: که شامل عناصر هویتی ایران دوران پیش از اسلام است؛ ب. **هویت اسلامی**: که عبارت است از تمامی عناصر هویتی که پس از گسترش اسلام در ایران اشاعه یافته‌اند؛ پ. **هویت غربی** یا **هویت مدرن**: عبارت از تمامی ارزش‌ها و عناصر هویتی است که در عصر جدید، به دنبال گسترش روابط ایرانیان با غرب، در ایران اشاعه یافته‌اند. از قبیل لیبرالیسم، سکولاریسم، فردگرایی، عقل‌گرایی، پولرایسم فکری، فرهنگی و سیاسی، دموکراسی و برابری. بنابراین، هویت اجتماعی در ایران معاصر ترکیبی از **هویت ایرانی** (ملی)، **هویت اسلامی** و **هویت غربی** (مدرن) است. در شرایط اجتماعی عادی، و به ویژه هنگامی که یک نیروی اجتماعی در صدد تحمیل ارزش‌ها یا عناصر هویتی خاص نبوده، این عناصر هویتی عمدتاً در حالت سازگاری به سر برده‌اند (بابایی فرد، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۳).

۳-۳. هویت ملی: یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با هویت مفهوم هویت ملی است. صاحب‌نظران مختلف با توجه به تعلقات یا گرایش‌های فکری‌شان، تعاریف مختلفی از هویت ملی ارائه داده‌اند. به طور کلی، در دسته‌بندی تعاریف مطرح شده از هویت ملی، می‌توان به چهار دسته تعریف از این مفهوم اشاره کرد: ۱. برخی از صاحب‌نظران در تعریف هویت ملی دارای دیدگاهی **ذات‌گرا** هستند. آن‌ها معتقدند هویت، دارای وجودی جوهری است. این دسته از صاحب‌نظران **چهره‌ی زیرین هویت** را **ثابت و پایدار** می‌دانند و معتقدند همین لایه‌ی زیرین است که به انسان ماهیت خاصی می‌دهد و هستی او را معنادار می‌کند. در مجموع، این لایه‌ی زیرین، هویت انسان را، در قالب‌های گوناگون، همچون **هویت فردی**، **هویت اجتماعی**، **هویت فرهنگی** یا **هویت ملی**، تعیین می‌کند؛ ۲. برخی دیگر از صاحب‌نظران در تعریف هویت ملی دارای **دیدگاه ساختارگرایانه** هستند. آن‌ها معتقدند که هویت **برساخته‌ای/اجتماعی** است؛ هویت چیزی نیست که از جایی آمده باشد یا انسان‌ها آن را کشف یا خلق کرده باشند، بلکه هویت ساخته‌ی و پرداخته‌ی جامعه و شرایط اجتماعی است؛ ۳. گروه دیگر از متفکران از **رویکردی گفتمانی**^{۱۶} به هویت می‌نگرند و آن را تعریف می‌کنند. آن‌ها هویت‌ها را محصول **گفتمان‌ها** می‌دانند. از نظر آن‌ها، تمامی امور بشری، همچون ارزش‌ها، باورها و هنجارها، و به طور کلی، دستاوردهای فکری و فرهنگی، دستاورد **گفتمان‌های حاکم** بر جامعه هستند. در چنین رویکردی، **واقعیت‌های اجتماعی** در گفتمان زاده شده و پدیدار می‌شوند، و از آن جا که هویت‌ها نیز از جنس واقعیت‌های اجتماعی هستند، به عنوان **برساخته‌های گفتمان‌ها** به شمار می‌آیند؛ ۴. چهارمین تعریف از هویت ملی تعریف **صاحب‌نظران مارکسیست** است. این صاحب‌نظران معتقدند که هویت انسانی، به طور عام، و

^{۱۵} Patel

^{۱۶} Discursive



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

هویت ملی، به طور خاص، زاده‌ی شرایط اقتصادی، شیوه‌ی تولید و روابط تولید است. به بیان دیگر، هر نظام اقتصادی متناظر است با گونه‌های خاصی از هویت‌های اجتماعی، از جمله هویت ملی (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۰-۳۱۹).

به طور کلی، صاحب‌نظران ذات‌گرا معتقدند، علی‌رغم تغییرات هویتی در گذر تاریخ، این لایه‌ی زیرین هویت ثابت مانده و، در مجموع، هویت ملی ملت‌ها را شکل داده و منشاء تغییرات و تحولات اجتماعی، فکری و فرهنگی می‌شوند؛ مفاهیمی همچون شخصیت پایه^{۱۷} یا منش ملی^{۱۸}، که صاحب‌نظرانی همچون کاردینر مطرح کرده‌اند، نیز ناظر به چنین تعریفی از هویت ملی هستند. رویکرد گفتمانی نیز، به ویژه تحت تأثیر دیدگاه‌های میشل فوکو درباره‌ی گفتمان، پدیدار شده و وارد ادبیات علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسی، شده است. بر اساس رویکرد گفتمانی، هویت ملی در هر جامعه‌ای و در هر عصری دستاورد گفتمان فکری و فرهنگی حاکم بر آن جامعه است. از این رو، با تغییر یک گفتمان و پدیدار شدن یک گفتمان جدید، هویت ملی نیز دگرگون می‌شود. نهایتاً این که، در رویکرد مارکسیستی عوامل اقتصادی زیربنای اجتماعات انسانی هستند. از این رو، مقوله‌هایی همچون دین، آموزش و پرورش، نظام حقوقی، ارزش‌ها، باورها، هنجارها، و به طور کلی، عناصر هویتی و فرهنگی، ناشی از نوع شیوه‌ی تولید و روابط تولید حاکم بر جامعه هستند (بابایی فرد، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۱).

۳-۴. قصه‌های عامیانه: به آثاری که در آنها تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیشتر از تحول و پرورش آدم‌ها و شخصیت‌ها است، قصه می‌گویند. قصه‌های عامیانه شکلی ساده و ابتدایی دارند و شامل بیانی نقلی و لغات و ضرب‌المثل‌های عامیانه است. در واقع، نگارش قصه‌های عامیانه غالباً ادیبانه نیست و در آن‌ها زبان معمول و رایج زمان در نوشتن قصه‌ها به کار گرفته می‌شود، زبانی که به زبان کوچه - بازاری معروف است و بیان‌گر هویت اجتماعی و ملی زمان خویش است و بخشی از فرهنگ و تاریخ و هویت ملی را به دوش می‌کشد. در قصه، مخصوصاً قصه‌های عامیانه، محور ماجرا بر حوادث خلق‌الساعه می‌گردد. قصه‌های عامیانه حجم و اندازه‌ی معینی ندارند و ممکن است قصه‌ای از چند سطر و چند صفحه تجاوز نکند، مثل «قصه‌های خاله سوسکه»، «کدوی قافله‌زن» و ... یا قصه بلند و پنج جلدی «سمک عیار».

محتوای برخی از قصه‌ها از رویدادهای غیرواقعی و اتفاقی به وجود آمده و گاهی عملی واقعی، تعبیر غیرواقعی به دنبال آورده است، مانند قصه‌ی حسن کچل، یا در قصه‌های قدیمی‌تر این خصوصیت بیشتر صدق می‌کند، مثلاً در «سمک عیار» قدیمی‌ترین کتاب قصه‌ی بلند عامیانه‌ی فارسی، گزارنده‌ی قصه کوشیده است که از واقعیات و محسوسات زیاد دور نشود و از وقایع خلق‌الساعه و شخصیت‌های غیرعادی و سحر و جادو و اعمال خرق عادت نیز نتوانسته است پرهیز کند؛ با این حال، نسبت به قصه‌های بلندی که بعد از آن به وجود آمده است، بیشتر به واقعیات توجه داشته و کمتر گرد حوادث نامعقول گشته است (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۴۷-۵۰). قصه‌ی عامیانه به قصه‌های کهن اطلاق می‌شود که به صورت شفاهی یا مکتوب در میان هر قوم از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. قصه‌های عامیانه گونه‌های متنوعی از اساطیر بدوی، قصه‌های پریان تا قصه‌های مکتوبی را که موضوعات آن برگرفته از فرهنگ قومی است (مثل قصه‌های هانس کریستین آندرسن) در برمی‌گیرد. بسیاری از قصه‌های عامیانه، در دست نویسندگان به صورت قصه‌های مکتوب و ادبی بازنویسی شده‌اند؛ مثل قصه‌ی حسن کچل و طوطی و بازرگان در فارسی و قصه‌های سفید برفی و سیندرلا در ادبیات غرب (داد، ۱۳۸۵: ۳۷۴). در داستان‌های عامیانه هرگز دزدان و ریاکاران و مردمی که پیشترت کار خویش را در دغل و دروغ‌گویی و خیانت‌کاری می‌بینند، پیروز نمی‌شوند بلکه در تمام موارد راستی و جوانمردی و شجاعت بر مکر و حيله و جادو غلبه می‌کنند و این مطلبی است که در هیچ یک از داستان‌های عامیانه استثنایی برای آن نمی‌توان یافت (محبوب، ۱۳۴۲: ۲۷).

^{۱۷} Basic Personality

^{۱۸} National Character



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

۴. مبانی نظری پژوهش

برخی از صاحب‌نظران زبان را مهمترین مؤلفه‌ی هویت ملی می‌دانند. کورت (۲۰۰۷) از مذهب به عنوان شکل دهنده‌ی هویت ملی یاد کرده است. گروهی نیز فرهنگ را مؤلفه‌ی مهم هویت ملی می‌دانند (میرمحمدی، ۱۳۸۳). برخی نگاه‌شان به تاریخ بوده و آن را مؤلفه‌ی بنیادین و عمده‌ترین عنصر هویت ملی برشمرده‌اند. هویت را در دو حوزه‌ی شکلی اسناد، ابنیه‌ها، لباس، پرچم، محدوده‌ی جغرافیایی و نیز محتوایی ذهنیت جامعه، افتخارات، احساسات، ادراکات، آرمان‌ها، حافظه‌ی تاریخی و مظاهر فرهنگی همچون زبان، دین، آداب و رسوم و ارزش‌ها می‌توان مشاهده کرد (رضایی خیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۸۷). اگر درست باشد که ادبیات بازتاب واقعیت‌های فردی و اجتماعی یک ملت، از جمله عادات، آداب، اعتقادات، سنن، رفتار سیاسی و مراودات اجتماعی است، پس به نوعی می‌تواند بازتاب هویت آن ملت نیز باشد.

ریموند ویلیامز در کتاب **فرهنگ و جامعه**^{۱۹} (۱۳۹۸) این فکر را پی گرفت که تصور فرهنگ و نیز واژه‌ی فرهنگ در معنای نوین آن، در عصری که عموماً عصر انقلاب صنعتی نام گرفته، وارد تفکر جامعه‌ی انگلیسی زبان شد. پیکره‌ی وسیع نوشته‌ها و آرایه‌ی که مطالعات فرهنگی را در محدوده‌ی بررسی‌های ادبی در بر می‌گیرد، در زمان نوعی اصطلاح‌شناسی ترکیبی است که واژه‌های کلیدی مارکسیسم کلاسیک، مارکسیسم امروزی، روان‌کاوی، فمینیسم و نشانه‌شناسی را شامل می‌شود. با توجه به این آمیختگی، مطالعات فرهنگی به واسطه‌ی اصطلاح‌شناسی متنوع‌اش، بسیار دشوار و گاه بازدارنده به نظر می‌رسد. استوارت هال **مطالعات فرهنگی** را به دو عرصه‌ی ابتکاری «فرهنگ‌محور» و «ساخت‌گرایانه» تقسیم می‌کند. به اعتقاد وی وجه فرهنگ‌محور مطالعات فرهنگی از آرنولد تا لیوس و ویلیامز، خط واحدی را دنبال می‌کند. ویلیامز معتقد به «فرهنگ مشترک» به معنای «سهیم شدن در معنای مشترک» است. این روایت از فرهنگ بر اولویت تجربه به مثابه‌ی جوهره‌ای که به فرهنگ شکل می‌دهد، تأکید اساسی دارد. مطالعات فرهنگی به واسطه‌ی پیچیدگی و بین‌رشته‌ای بودنش تلاش می‌کند کردارها، حیات، موضوعات و اشکال نو معرفت را خلق کند. مطالعات فرهنگی اوضاعی را مخاطب قرار می‌دهد که در یک زمان - مکان خاص رخ می‌دهند، به گونه‌ای که «علائق» مطالعات فرهنگی و دانش می‌توانند آگاهانه در مورد شرایط جدید شکل گیرند. این دریافت به ما کمک می‌کند که «مسأله‌ی» مطالعات فرهنگی را در عصر حاضر به خوبی تدوین کنیم. مطالعات فرهنگی اگر قرار باشد به اهداف مورد نظر خود دست یابد، باید واجد دو شرط اساسی باشد: ۱. نقادانه باشد؛ ۲. اخلاقی باشد (برکت، ۱۳۸۶: ۴۷). عباس کاظمی در نقد کتاب **مطالعات فرهنگی و فرهنگ عامه** درباره‌ی مطالعات فرهنگی چنین می‌گوید: «مطالعات فرهنگی صرفاً یک علم آکادمیک نیست، بلکه علمی متعهد است و در حقیقت بین عمل آکادمیک و عمل سیاسی در نوسان است. برای نخستین بار قشر تحصیل‌کرده‌ی طبقه کارگر، مطالعات فرهنگی را شکل دادند و در آغاز آن را علمی ضدرشته‌ای، فرارشته‌ای و بعدها بین‌رشته‌ای معنا کردند» (کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۰).

در مطالعات مردم‌شناختی، ادبیات و قصه‌های عامیانه بخشی از فرهنگ عامیانه (فولکلور)^{۲۰} است. اصطلاح اخیر، نخستین بار توسط امبرویز مورتن در سال ۱۸۸۵ به کار برده شد. حوزه‌ی پژوهش این شاخه، مطالعه‌ی اسطوره‌ها، افسانه‌های تاریخی و مذهبی، باورها، داستان‌های حماسی و رمانتیک، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و قصه‌ها است. تعیین مرز دقیق میان ادبیات و قصه‌های عامیانه و رسمی همیشه امکان‌پذیر نیست. فراتر از این، حتی تعریف و مشخصات ادبیات و قصه‌های عامیانه آنگاه که در دوره‌ی مدرن از آن استفاده می‌کنیم، با تعریف آن در دوره‌ی کلاسیک تفاوت‌هایی دارد. ادبیات عامیانه زیرشاخه‌ی ادبیات شفاهی است و شامل مجموعه‌ی روایت‌های ادبی است که خالق آنها نه لزوماً شخصی فرهیخته و معروف بلکه برآیند ضمیر جمعی اقوام در طول قرون و

^{۱۹} Raymond Williams

^{۲۰} Folklore



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

اعصار است که توسط راویان گمنام روایت می‌شود و سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شوند؛ که البته در دوران معاصر چنین قصه‌هایی مکتوب شده، قصه‌های دیگر به اقتضای زمانه به آنها اضافه گردیده و قصه‌های عامیانه را گسترش دادند، مثل قصه‌های کوچه و بازاری (زرقانی، ۱۳۸۸: ۶۵).

هانلن^{۳۱} (۲۰۰۳) نموداری ترسیم کرده که در آن سرچشمه‌ها، شاخه‌های اصلی و زیرشاخه‌های ادبیات و قصه‌های عامیانه و نسبتش را با روایت‌های کهن نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، قصه‌های عامیانه با افسانه‌ها و اسطوره‌ها دارای هم‌پوشانی و در هم تنیدگی هستند و جدا کردن آنها از یکدیگر کار آسانی نیست. به نظر هانلن، این نمودار نشان می‌دهد که انواع مختلف ادبیات و قصه‌های عامیانه چونان روایت‌هایی هستند که از یک نسل به نسل دیگر یا از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر منتقل می‌شوند. در نمودار هانلن، که مشتمل بر سه حلقه است، دایره‌ی اسطوره‌ها به موضوعاتی همچون: آفرینش جهان، روابط میان انسان و خدایان، نبردهای کیهانی بین خیر و شر و یا جدال قدرتهای سیاسی می‌پردازد. حلقه‌ی حکایت‌های عامیانه بیشتر بر آن دسته از ماجراها و حوادث قضا و قدری متمرکز است که بر سر افراد می‌آیند و بیشتر جنبه‌ی زمینی دارند تا بر موضوعاتی که هویت ملی دارند یا مسائل مربوط به ارواح، هرچند در این قصه‌ها غالباً تبهکاران یا (نیروی شر) فوق طبیعی و یاری‌گران جادویی در صحنه حضور دارند. حلقه‌ی سوم افسانه‌ها هستند که مشتمل می‌شود بر حوادث مربوط به زندگی آدم‌ها، مکان‌ها و اتفاقات واقعی که در جهان خارج از داستان امکان ظهور دارند. در عین حال، هانلن متذکر می‌شود که این عناوین در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بسیار مسامحه‌آمیز به کار رفته‌اند، به طوری که ممکن است روایت‌های گسترده‌ای در داستان‌ها یافت شوند که اسطوره، حکایت یا قصه‌ی عامیانه نامیده شوند. باورهای عقیدتی و بنیادهای فرهنگی هر قوم در این که آنها روایت‌های مختلف را «اسطوره» یا در مقابل، «افسانه» به شمار آورند، تأثیر دارد. برای مثال، بسیاری از آن چه در نزد زرتشتیان باستان حکم گزارش حقیقت را دارد، در نظر ایرانیان معتقد به ایدئولوژی اسلامی افسانه‌اند (زرقانی، ۱۳۸۸: ۶۶).

به طور کلی، بررسی قصه‌های عامیانه، یکی از اجرای اصلی فرهنگ عامیانه و دانش انسان‌شناسی به شمار می‌رود. از یک سو، هنر و ادبیات توده، به منزله‌ی مصالح اولیه‌ی بهترین شاهکارهای بشر به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، این دستاوردهای بشری به عنوان مجموعه‌ای از باورها، عادت‌ها و آیین‌های کهن اقوام ایرانی، یکی از منابع مهم مطالعات جامعه‌شناختی محسوب می‌شوند. جمع‌آوری، مطالعه و تحلیل این داستان‌ها ما را با گنجینه‌ای از نمادهای اسطوره‌های کهن الگوهای جمعی و قومی مواجه می‌کند که در نهایت به عنوان ابزاری سودمند، قابل اعتماد و کارآ، شناخت ژرف‌تر خصیصه‌های فرهنگی اقوام ایرانی و درک تعامل فرهنگی آنها با دیگر اقوام و دریافت تشابه و تفاوت میان‌شان و نیز بررسی سیر تحول فرهنگ ایرانی را میسر می‌سازد. نبود نقد ادبی و نداشتن نظریه، فقط به «ارتباطات ادبیات یا جامعه و تاریخ» محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری از این کتاب‌ها جالی خالی یک «نظریه‌ی ادبی» یعنی نظریه‌ای که موضوعاتی نظیر تعریف هنر، ادبیات، مفهوم زیبایی ادبی و رسالت ادبیات را به روشنی تعریف کند. در حوزه‌ی نثر، مسأله‌ی بفرنج‌تر می‌شود، چون تاکنون نظریه‌ی نثر در ادبیات تبیین نشده است.

۵. ویژگی‌های کلی قصه‌های عامیانه

قصه‌های عامیانه ویژگی‌های متنوع و فراوانی دارند که اگر بخواهیم هر کدام از آنها را تشریح کنیم خود حدیث مفصلی است. بنابراین برخی از این ویژگی‌ها در ادامه به اختصار آمده است:

^{۳۱} Tina N. Hanlon



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

۱. ساختار ساده: قصه‌های عامیانه ضمن بیان شیرین و شیوا و تعلیقی اندک، قصه‌ای سرراست، خطی و ساده دارند که می‌توان دلیل آن را سادگی شیوه‌های زندگی و پیچیده نشدن زندگی و روابط انسان‌ها در آن برهه از زمان دانست.
۲. ضرب‌آهنگ تند: مثلاً گاهی مقدمه، توصیف و معرفی شخصیت در یک یا دو جمله خلاصه می‌شود: «یکی بود، یکی نبود، بازرگانی قصد سفر کرد، آن‌چه داشت و نداشت به گوهری تبدیل کرد و آن را پر شالش گذاشت». شاید بتوان گفت ضرب‌آهنگ تند قصه‌های عامیانه به خاطر این است که در گذشته این قصه‌ها به صورت شفاهی و نقلی و سینه به سینه نقل می‌شده‌اند و اگر ضرب‌آهنگ تند و سرراستی نداشتند برای شنونده و مخاطب ملال‌آور می‌شد. با توجه به این که لطیفه‌ها را نیز می‌توان به نوعی جزو قصه‌های عامیانه محسوب کرد، اگر کسی برای ما لطیفه‌ای را با آرامش و طمأنینه و در زمان بیشتری تعریف کند ویژگی خود را (که یعنی خندیدن و انفجار لحظه‌ای‌اش است) از دست می‌دهد، زیرا عنصر مهم در تعریف کردن لطیفه نیز داشتن ضرب‌آهنگ تند است.
۳. ایجاز، خلاصه‌گویی، شکست زمان: در اکثر قصه‌های عامیانه زمان شکسته می‌شود؛ مثلاً در قصه‌ای کوتاه به یکباره ۷ سال می‌گذرد: مردی به سفر رفت، پس از هفت سال به خانه و کاشانه‌اش برگشت و ... در این نوع قصه‌ها زمان سریعاً می‌شکند که این ویژگی نیز می‌تواند به ایجاد ضرب‌آهنگ و قصه‌های شفاهی مربوط باشد.
۴. فضاهای گوناگون و متنوع: برای مثال در جوامع/حکایات یا هزار و یک شب آن قدر تنوع مکانی وجود دارد که شگفت‌آور است و یا در قصه‌های پریان سرزمین‌های دور و دریا‌های بزرگ و مکان‌های تخیلی متنوع مشهود است.
۵. زبان محاوره و عامیانه: در این آثار غالباً هماهنگی زبان با مضمون اهمیت زیادی دارد؛ مثلاً نمی‌توان زبانی حماسی برای موضوعی عاطفی یا عاشقانه به کار برد، یا بالعکس زبان عاشقانه برای رزم. غالباً این نوع آثار، لبریز از تعابیر، ضرب‌المثل‌ها و تکیه کلام‌های خاص است و در داستان‌های عامیانه‌ی کوچه - بازاری، لحن و زبان کوچه - بازاری و لوطی‌گری یا همان زبان محاوره‌ای برگرفته از زبان و فرهنگ مردم عامه کوچه و بازار است.
۶. وجود شخصیت‌های تخیلی: در بیشتر قصه‌های عامیانه از جن و پری، اژدها یا قصه‌های جدیدتر، مانند حسن کچل، پادشاهان ستمگر و ... استفاده شده است. علت این شخصیت‌سازی‌ها قصه‌گویی مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها است که در قصه‌های عامیانه‌ی شفاهی به وفور دیده می‌شوند و بعدها این شخصیت‌ها در قصه‌های مکتوب نیز به وجود آمده‌اند.
۷. قهرمان پروری: در قصه‌های عامیانه و آثار کهن همیشه یک یا چند قهرمان (نیروی خیر) با ضمیر سفید و یک ضد قهرمان (نیروی شر) و با ضمیر سیاه وجود دارد که در رویارویی و نبرد با هم همیشه قهرمان پیروز می‌شود و نیروی شر یا اهریمن از بین می‌رود و قهرمان به عنوان نمادی از خوبی و پاکی شناخته می‌شود.
۸. نیروی خیر و شر: نیروی خیر و شر از آغاز داستان‌های کهن تا قصه‌های عامیانه معاصر همیشه بوده و معمولاً نیروی شر نماد شیطان و اهریمن و نیروی خیر نماد پاکی و درستی معرفی می‌شد که در قصه‌های عامیانه‌ی اخلاق‌گرا این ویژگی مشهود است.
۹. پند و نصیحت: یکی از ویژگی‌های قصه‌های عامیانه پیام مستقیم و پند و نصیحت‌گونه‌ای است که در قصه‌ها وجود دارد. نویسندگان در مقام یک داور یا یک ناصح در داستان ظاهر می‌شوند و پند مستقیم می‌دهد، که البته هرچه به قصه‌های عامیانه‌ی معاصر نزدیک‌تر می‌شویم این ویژگی کم‌رنگ‌تر می‌شود و نویسندگان سعی می‌کند فقط قصه بگویند و داوری نکنند.
۱۰. مضمون و درونمایه‌ی قصه‌های عامیانه: لوطی‌منشی و پهلوانی، جوانمردی، عشق و اخلاق‌گرایی را می‌توان از مهمترین درونمایه‌های قصه‌های عامیانه برشمرد که ناشی از روحیه‌ی جوانمردی و پهلوی ایرانی است که همواره با شرح فتوحات و پهلوانی رستم از دیرباز خو گرفته‌اند و جزئی از هویت ملی و ایرانی آنها است.



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

۱۱. قصه‌ی حیوانات: در برخی از قصه‌های عامیانه از حیوانات به عنوان مهره‌های اصلی قصه استفاده شده است، مانند قصه‌های کلیله و دمنه.

۶. تأثیر قصه‌های عامیانه هویت فردی و اجتماعی ایرانیان

اساساً ایران سرزمینی باستانی، با طبیعت، تاریخ، معماری، زبان، ادبیات و فرهنگی به نهایت متنوع است. ادبیات فارسی نگین پرفروغ تاریخ و فرهنگ ایران، بزرگ‌ترین هدیه‌ی ایران به تمدن بشر و حاصل کار جمعی شاعران و نویسندگان بی‌شماری است که فارسی، زبان مادری همه‌ی آنان نبوده است. شعر فارسی که به لطف مولوی، حافظ، خیام، فردوسی و سعدی آوازه‌ی جهان شده، از بلندپایه‌ترین دستاوردهای بشری است. ایران دارای چهره‌هایی چنان بزرگ در ادبیات است که برتر از آنان را در هیچ سنت ادبی دیگری نمی‌توان یافت. معماری ایرانی، چه در عهد باستان و چه در عصر میانه، با نمونه‌هایی تاریخی چون تخت جمشید و مسجد جامع اصفهان، بخش مهمی از میراث فرهنگی جهان است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۷؛ اشرف، ۱۳۵۹).

شاید بتوان با این تحلیل رفتاری همایون کاتوزیان به تأثیر قصه‌های عامیانه بر هویت فردی و جمعی ایرانیان پی برد: «ایرانیان در مقام یک ملت، باهوش، نوآور، هنرمند و پرمهارت‌اند و می‌توانند خود را با شرایط متفاوت وفق دهند. سرگرمی، شادی و تفریح بیرون از منزل را دوست دارند، فن پختن غذا را تقریباً به حد هنر رسانده‌اند و آشپزی ایرانی یکی از بهترین‌ها در جهان است. ایرانیان از داستان‌سرایی، لطیفه‌گویی (که در بالا به عنوان نوعی از قصه‌های عامیانه بدان اشاره شد)، شوخی و شایعه‌پردازی لذت می‌برند. شایعه‌ها و داستان‌های ضدحکومت را به راحتی می‌پذیرند و در ساختن بی‌رحمانه‌ترین شوخی‌ها برای مسخره کردن صاحبان قدرت، به ویژه دولت، استادند. به گفته‌ی شاعر برجسته‌ی معاصر، مهدی اخوان ثالث «زندگی‌مان شعر و افسانه» است. اگر چه زندگی ایرانی عناصر دیگری نیز دارد، اما شعر، اسطوره و افسانه، عرفان و دین بخش بزرگی از زندگی روزمره را تشکیل می‌دهند. احساس، در میان ایرانیان و در شکل دادن به آرای آنان، جایگاهی والاتر از عقل دارد. برای یک ایرانی، احتمال پذیرفتن نکته‌ای که با داستان، شعر یا استدلالی فوق‌العاده و ماورای منطقی توجیه شده باشد بیشتر است، تا پذیرفتن استدلالی صرفاً منطقی یا شواهد عینی. این چارچوب و استخوان‌بندی جامعه و فرهنگ ایرانی است» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۳)

در گذشته برخلاف متن‌های ادبی که بیشتر برای منظوره‌های خاصی تألیف می‌شدند و مختص خواص و درباریان بودند، کتاب‌های قصه‌های عامیانه اغلب به توده‌های مردم تعلق داشت و در واقع مردم عادی و بی‌سواد کوچ و بازار، طالبان و مشتاقان واقعی آنها بودند؛ آنها به شنیدن قصه میل و رغبت بسیار داشتند. از این روی، در گذشته قصه‌گویی در حکم شغل و حرفه بود. طبیعی است که قصه‌گویان برای جلب و گرد آوردن شنوندگان بیشتر، بیان ساده و عوام‌فهمی را به کار می‌بردند و قصه‌های خود را با زبان روزمره و محاوره‌ی مردم روزگار خود نقل می‌کردند و برای این که بازار خود را بیشتر گرم کنند و به بیان خود چاشنی بزنند، از آیات قرآن، حدیث، ضرب‌المثل، کنایه، تکیه‌ی کلام و لغات و اصطلاحات عامیانه بهره می‌بردند (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

۷. نمونه‌های نثر قصه‌های عامیانه

۱. توصیف روز: «تا آنگاه که روز، دست مبارک از پرده‌ی نیلگون بیرون کرد و گیسوی شب تیره را بگرفت و حلق او ببرید و او را در خون بکشید و سر او ببرید و او را از پس کوه انداخت و خون وی در روی جامه‌ی خود کشید و بمالید و تیغ از میان برآورد و ...» (صفا، ۱۳۶۵).



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

۲. **خصلت اساطیری قصه:** «پس شهریار اسکندر در آن کوه سرانندیب (آرامگاه حضرت آدم) نگاه کرد و صد هزار گونه اسپرغم و ریاحین دید، بعضی شیرین و خوش و نیکو و بعضی ناخوش و تلخ و ...».

۳. **اغراق برای ایجاد شگفتی:** «شگفتا که از دوران پیش از بعثت رسول اکرم (ص) تا روزگار دومین خلیفه‌ی عباسی (در حدود سال ۱۴۰ هجری قمری) بالا رفتن و فرود آمدن جسد پاره‌پاره‌ی تورج که بر اثر انفجار به هوا پرتاب شده بود، به طول انجامیده است». در این متن اغراق‌آمیزی مشهود است و نویسنده برای ایجاد شگفتی و جذب مخاطب سعی دارد خواننده یا شنونده را با ماجراها و حوادث خلق‌الساعه و غیرعادی به اعجاب و شگفتی وادارد. شاید بتوان گفت اغراق نمودن، که در قصه‌های عامیانه‌ی گذشته رایج بوده، به نحوی تبدیل به یکی از ویژگی‌های هویت فردی و هویت ملی ایرانیان شده است.

۸. نتیجه‌گیری پژوهش

در روزگار گذشته قصه گفتن و قصه شنیدن معمول و مرسوم بود و همه‌ی طبقات و گروه‌های جامعه به شنیدن قصه مشتاق بودند و بعضی از شاهان و امیران، قصه‌گویی در دربار داشتند. قصه‌گویی سنت شفاهی قصه‌گویی را به وجود آورده بودند. قصه‌گویان می‌کوشیدند به زبان ساده و معمول زمان قصه را نقل کنند تا شنونده‌ی بیشتری برای خود فراهم آورند و بعدها همین زبان به نوشتن درآمد و هویت ملی و فردی ایرانیان و اقوامی که تمدن و ادبیات غنی داشتند، مانند ایران، یونان و مصر و هند، را شکل داد. از قصه‌های شفاهی سینه به سینه‌ی مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها گرفته تا قصه‌های عامیانه‌ی مکتوب کوچه - بازاری، همه و همه، جزئی از فرهنگ و هویت ملی ما ایرانیان است که در بستر پژوهش‌های فرهنگی و از منظرهای گوناگون باید بررسی شود، زیرا این حوزه‌های پژوهشی دارای پرطرفدارترین رهیافت‌ها در زمینه‌ی نظریه و نقد ادبی جدید است که و ماهیت میان‌رشته‌ای آن می‌تواند به پژوهشگران رشته‌های مختلف یاری رساند که از هر جهت از آن سود جویند و به بخش‌های مختلف ادبیات هزار توی ایرانی، اعم از ادبیات شفاهی و ادبیات مکتوب، بپردازند. مطالعه‌ی فرهنگ عامه بخش مهمی از مطالعات فرهنگی است. نظریه‌پردازان سنتی، ادبیات داستانی عامه‌پسند را محکوم می‌کردند و اعتقاد داشتند که این نوع ادبیات برای مخاطبانش «جبران مافات» و «امکان بی‌توجهی به واقعیت تلخ» را به صورتی اعتیادآور ممکن می‌کند. لیوس استدلال می‌کند که خواندن قصه‌های عامیانه‌ی رمانتیک، خوانندگان را به خیال‌پروری عادت می‌دهد و این خود باعث ناسازگاری با زندگی واقعی می‌شود؛ اما پژوهشگران مطالعات فرهنگی معتقدند درست همان گونه که زبان‌شناسان همه‌ی الگوها و رفتارهای زبانی را (اعم از رسمی و عامیانه) در پژوهش‌های خود ملحوظ می‌کنند، منتقدان ادبی هم باید ادبیات عامه‌پسند و قصه‌های عامیانه را به منزله‌ی جلوه‌ای از فرهنگ و رفتارهای در نظر بگیرند و آن‌ها را به عنوان بخشی از هویت یک فرد و جامعه موضوع بررسی خود بدانند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در بررسی ادبیات عامه‌پسند و قصه‌های عامیانه و داستان‌های منثور گذشتگان توجه بیشتری صورت گیرد، زیرا با گذر از تحلیل این نوع ادبیات است که فهم و نگارش رمان و داستان کوتاه بیشتر تسهیل می‌شود. همچنین، با توجه بیشتر به ادبیات عامه‌پسند و قصه‌های عامیانه، ما هم می‌توانیم مانند دیگر کشورها، به ویژه غربی‌ها، که کارهای مقایسه‌ای و اقتباسی فراوانی از ادبیات ما انجام داده‌اند، از این دستمایه‌های داستانی و تاریخی به خوبی استفاده کنیم و به ویژه در ساخت فیلم‌های کودکان و انیمیشن‌های متناسب با سنین کودکان و نوجوانان از این ادبیات بهره بگیریم.



نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار

در علوم تربیت و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگ

منابع فارسی

۱. اشرف، احمد؛ *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره‌ی قاجاریه*، تهران، نشر زمینه، ۱۳۵۹.
۲. انصاف‌پور، غلامرضا؛ *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۹.
۳. بابایی فرد، اسداله؛ *بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران: رویکردی تاریخی، تجربی*، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۹۲.
۴. برکت، بهزاد؛ *هویت و بازتاب آن در ادبیات معاصر*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶.
۵. بیابانگرد اسماعیل؛ *روانشناسی نوجوانان*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۶. پاینده، حسین؛ نقد و بررسی مطالعات فرهنگی درباره‌ی فرهنگ عامه (جان استوری، ترجمه‌ی حسین پاینده)، *کتاب ماه ادبیات*، سال اول، شماره ۸، آذرماه ۱۳۸۶.
۷. داد، سیمیا؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه‌ی مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی* (تطبیقی و توضیحی)، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۵.
۸. دهخدا، علی اکبر؛ ۱۳۴۱، *لغت‌نامه*، تهران، چاپخانه‌ی دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۹. رجایی، فرهنگ؛ *پدیده‌ی جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۲.
۱۰. رضایی خیرآبادی؛ فاطمه؛ رضوان حکیم زاده؛ محمدحسین محمدی؛ سیدعلی خالقی نژاد؛ جایگاه نمادهای هویت ملی در زبان و ادب فارسی، مطالعه‌ی موردی: آثار داستانی جمال‌زاده، *فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۱.
۱۱. زرقانی، سید مهدی؛ *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگرذیسی ژانرها تا میانه‌ی سده پنجم: به انضمام نظریه‌ی تاریخ ادبیات*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین؛ *از گذشته‌ی ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳.
۱۳. شیخوندی، داور؛ *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۱۴. صفا، ذبیح الله (گردآورنده)؛ *داراب‌نامه‌ی طرسوسی، روایت ابوطاهر محمدبن حسن بن علی بن موسی طرسوسی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۵.
۱۵. عسگری حسنکلو، عسگر؛ *نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی*، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۸۷.
۱۶. کاتوزیان، همایون؛ *ایرانیان دوره‌ی باستان تا دوره‌ی معاصر*، ترجمه‌ی حسین شهیدی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۲.
۱۷. کاظمی، عباس؛ نقد و بررسی مطالعات فرهنگی درباره‌ی فرهنگ عامه (جان استوری، ترجمه‌ی حسین پاینده)، *کتاب ماه ادبیات*، سال اول، شماره ۸، آذرماه ۱۳۸۶.
۱۸. لطف‌آبادی، حسین؛ وحیده نوری؛ نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران، *فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی*، سال سوم، شماره‌ی ۷، زمستان ۱۳۸۳.
۱۹. محجوب، محمدجعفر؛ مطالعه در داستان‌های عامیانه‌ی فارسی نشریه‌ی *کتاب هفته*، شماره‌ی ۷۷، ۱۳۴۲.
۲۰. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۲۱. میرصادقی، جمال؛ *ادبیات داستانی* (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۰.
۲۲. میرمحمدی، داود؛ *گفتارهایی درباره‌ی هویت ملی در ایران*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۳.

نہمین کنفرانس ملے تو عہ پیدار

در علوم تربیتے و روانشناسے، مطالعات اجتماعے و فرہنگے



۲۳. ویلیامز، ریموند؛ فرہنگ و جامعہ، ترجمہی علی اکبر معصوم بیگی و نسترن موسوی، تہران، انتشارات نگاہ، ۱۳۹۸.

منابع انگلیسی

۲۴. Edgar, Andrew; Peter Sedgwick (Editors); *Key Concepts in Cultural Theory*, London and New York, Routledge, ۱۹۹۹.
۲۵. Ellemers, Naomi; Russell Spears; Bertjan Doosje (Eds); *Social Identity: Context, Commitment, Content*, Blackwell Publishers, ۱۹۹۹.
۲۶. Elliott, Anthony; Larry Ray (Editors), *Key Contemporary Social Theorists*, United Kingdom and United States of America, Blackwell Publishing, ۲۰۰۲.
۲۷. Giddens, Anthony; *Living in a Post - Traditional Society*, in: Ulrich Beck, Anthony Giddens and Scott Lash, *Reflexive Modernization: Politics, Tradition, and Aesthetics in the Modern Social Order*, United Kingdom and United States of America, Polity Press in association with Blackwell Publishers, ۱۹۹۵.
۲۸. Hall, Stuart; *The Question of Cultural Identity*, in: Stuart Hall, David Held and Tony Mc Grew; *Modernity and its Futures: Understanding Modern Societies, An Introduction*, United Kingdom and United States of America, Polity Press in association with Blackwell Publishers, ۱۹۹۶.
۲۹. Howard, Judith A; *Social Psychology of Identities*, Annual Review of Sociology , Vol. ۲۶, Department of Sociology, Seattle, Washington, University of Washington, ۲۰۰۰.
۳۰. Jackson, Jay W; Eliot R. Smith; *Conceptualizing Social Identity: A new Framework and Evidence for the impact of Different Dimensions*, Indiana University - Purdu University at Fort Wayne, ۱۹۹۸.
۳۱. Kumar Das, Samrendra; *Dictionary of Social Science*, New Delhi, K. S. Paperbacks, ۲۰۰۶.
۳۲. Patel, Sugata; *Modernity: Sociological Categories and Identities*, Current Sociology, Vol. ۴۸, No. ۳, London and New Delhi, Sage Publications, ۲۰۰۰.
۳۳. Scott, John (Editor); *Sociology: The Key Concepts*, London and New York, Routledge, ۲۰۰۶.